

رابطه ی بین منابع اطلاعاتی و انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور در نظام آموزش و پرورش شهرستان نور

فاطمه ظفری^۱

^۱ کارشناسی ارشد علوم تربیتی، بابل fatemeh.zafari77@yahoo.com

چکیده

انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور، یکی از انتخاب های مهم و اثرگذار در زندگی است؛ به طوری که می تواند سرنوشت و آینده شغلی آنان را رقم بزند. پژوهش حاضر به بررسی رابطه ی بین منابع اطلاعاتی و انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور در نظام آموزش و پرورش شهرستان نور پرداخت. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی و تحلیل نظرات مشاوران تحصیلی آموزش و پرورش در خصوص عوامل موثر مانند مشورت با مشاوران، افراد ناآگاه و نقش های عوامل شغلی، داوطلب، شانس در فرایند انتخاب رشته های تحصیلی به داوطلبان کنکور بود. این یک مطالعه ی کمی از نوع همبستگی می باشد که اساسا ابزار پژوهش پرسشنامه را به کار برده است. در انجام این پژوهش، ۳۶ مشاور تحصیلی زن و مرد برای پر کردن پرسشنامه ی محقق ساخته شرکت داده شده اند. داده ها همچنین با اجرای آمارهای توصیفی و آمارهای استنباطی مانند آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (KS)، آزمون کفایت نمونه گیری کیزر-میر-اولکین (KMO)، آزمون تک نمونه ای، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون فریدمن از طریق برنامه ی نرم افزار آنالیز شدند. یافته ها بر اساس تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که بین مشورت با مشاوران تحصیلی و نقش عوامل شغلی رابطه ی معناداری وجود دارد، بین مشورت با افراد ناآگاه و نقش شانس رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد و همچنین بین نقش داوطلب و نقش عواملی شغلی رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه ها: منابع اطلاعاتی _ عوامل موثر بر انتخاب رشته های تحصیلی (مشورت با مشاوران، مشورت با افراد ناآگاه، نقش عوامل شغلی، نقش داوطلب و نقش شانس)

مقدمه

از نظر پارسونز، آموزش و پرورش فرایندی آگاهانه، خلاقانه و همراه با اهداف خاصی است که در چارچوب یک نظام اجتماعی رخ می دهد. پارسونز، عوامل مؤثر در آموزش و پرورش را فرهنگ، ارزش ها و هنجارها، نظام اعتقادی افراد، تمایلات نیازی و اجتماعی کردن افراد می داند.

دوره ی آموزش متوسطه هم یکی از مهم ترین و حساس ترین مراحل تحصیلات رسمی به شمار می رود؛ چون در این دوره، بخش بزرگی از استعداد های نوجوانان و جوانان بروز می کند، قدرت یادگیری آنان به بالاترین حد خود می رسد، کنجکاو ی آنان جهت می یابد و مسایل جدید زندگی مانند انتخاب رشته و انتخاب حرفه و شغل، ذهن آنها را به خود مشغول می سازد. از لحاظ مبانی فلسفی، زیستی، روانی و اجتماعی نیز دوره ی بسیار مهمی به شمار می رود؛ چون دوره ای است که آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می دهد و گروه بسیاری را برای ورود به جامعه و بازار کار آماده می کند. در بسیاری از کشورها از جمله ایران، این دوره منبع اصلی تربیت نیروی انسانی نیمه ماهر و ماهر به شمار می رود و از اینرو، تاثیر ویژه ای در میزان موفقیت برنامه های توسعه ی اقتصادی و اجتماعی دارد. در ایران، تأسیس دوره ی متوسطه مربوط به سال ۱۲۲۸ شمسی می باشد. در این سال دارالفنون توسط امیرکبیر تأسیس شد که شروع کار مدارس متوسطه به سبک جدید در کشور بود. در طی نزدیک به صد و پنجاه سالی که از تأسیس دوره متوسطه در ایران می گذرد، این دوره دستخوش تغییرات بسیاری شده است. آخرین تغییرات مربوط به سال ۱۳۷۰ است که در این سال طرح تغییر دوره ی متوسطه در اولویت برنامه های اصلاحی وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت و اجرای آن از سال بعد به طور آزمایشی در تعدادی از مدارس آغاز شد. کارشناسان اظهار داشتند که هدف از اجرای این طرح، اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی، شناخت بهتر استعدادها و علاقه ی دانش آموزان و ایجاد زمینه ی مناسب برای هدایت آنان به سمت اشتغال مفید و احراز آمادگی نسبی برای ادامه تحصیلات عالی تر دانشگاهی بوده است.

امروزه، یکی از دغدغه های اصلی هر داوطلب کنکور پذیرفته شدن در دانشگاه است. در واقع کنکور، به معضلی جدی در سطح جامعه تبدیل شده است؛ زیرا نظام آموزش عالی در دنیا به عنوان مهمترین مسائل کشورها شناخته شده است، نقش و جایگاه این نظام و تأثیر آن بر توسعه جامعه بر کسی پوشیده نیست. از طرفی، چگونگی پذیرش دانشجو و فرایند گزینش و سنجش آنها از مباحث اصلی

نظام های آموزشی دنیا به شمار می روند. در کشور ایران به دلیل میزان بالای تقاضای آموزش عالی، آزمون سراسری دانشگاه ها به مهمترین رخداد آموزشی بلکه چالش آموزشی کشور تبدیل شده است کاوه ئی و باقی یزدل، (۱۳۹۳). داوطلبان کنکور نیز با انتخاب رشته های تحصیلی مناسب، هدف خود را انتخاب می کنند و به تحصیلات خود ادامه می دهند تا به شغل مرتبط با رشته های تحصیلی خودشان دست یابند.

بر این اساس، مشاوران آموزش و پرورش در خط مقدم ارتباط با داوطلبان کنکور قرار دارند و با نیازها، مسائل و مشکلات آنها کاملاً آشنا هستند؛ چون داوطلبان کنکور، مشاوران آموزش و پرورش را اولین منبع اطلاعاتی قابل اعتماد می دانند و بسیاری از مسائل و مشکلات خود را در زمینه ی انتخاب رشته ی تحصیلی با آنان در میان می گذارند. اگر رشته ی تحصیلی درست و صحیح انتخاب شود می تواند زمینه ی دانش و توانایی داوطلبان کنکور را تعیین کند. ویژگی های داوطلبان کنکور در انتخاب درست مانند میزان بهره هوشی، نمرات تحصیلی، نقاط ضعف و قوت در دروس مختلف، استعداد و میزان علاقه مندی باید مورد بررسی قرار بگیرد. اگر داوطلب کنکور بتواند رشته ای را انتخاب کند که با توانایی ها و علاقه هایش مطابقت داشته باشد، توانسته است تا حدودی در مسیری قدم بردارد که منجر به موفقیت شود. میزان علاقه مندی داوطلبان کنکور هر چقدر در رشته ی انتخابی بیشتر باشد باعث تلاش و کوشش بیشتر برای رسیدن به هدف می شود. اهمیت انتخاب رشته های تحصیلی، مواد خاص آموزشی و درسی را می طلبند و نقشی در آینده ی شغلی و تحصیلی افراد ایفا می کنند. بنابراین، انجام تحقیق در این زمینه ایجاب می کند تا از طریق آن بتوان داوطلبان کنکور را در انتخاب رشته ها با توجه به علایق، توانایی ها و استعدادهایشان برای موفقیت هرچه بیشتر در تحصیل یاری کرد. نتایج پژوهش یک پایان نامه در این زمینه نشان می دهد که دانش آموزان بر اساس استعداد، علاقه، پیشرفت تحصیلی به رشته های مختلف هدایت نشده اند، بلکه از نظر نمرات درسی، دانش آموزان قوی به رشته ریاضی_فیزیک، دانش آموزان متوسط به رشته ی علوم تجربی و دانش آموزان ضعیف به رشته ی علوم انسانی هدایت شده اند زندوانیان نائینی، (۱۳۸۵).

هدف اصلی از انتخاب رشته و تحصیل هم رسیدن به یک شغل مرتبط با رشته ی تحصیلی خود با درآمد و آینده خوب است. بنابراین، برای داوطلبان کنکور مهم است که با تلفیق علاقه، استعداد و اهداف خودشان، رشته های تحصیلی مناسب با بازار کار خوب را بشناسند. مشاوران تحصیلی در این زمینه می توانند با تحلیل وضعیت کار، میزان پذیرش رشته های مختلف و آینده شغلی مناسب

به انتخاب رشته های تحصیلی خوب کمک کنند. در نتیجه، انتخاب بهترین رشته ی تحصیلی با توجه به مجموعه های از فاکتورها تعیین میشود که بازار کار و نیاز کشور یکی از این موارد می باشند. بر این اساس، اگر فردی متناسب با علاقه ها، استعدادها، توانایی ها، رغبت ها و ویژگی های شخصیتی برای شغلی انتخاب شود نه تنها شکوفایی فردی حاصل می شود بلکه جامعه نیز از او بهره ی بیشتری می برد اما اگر فردی متناسب با شغل مورد نظر انتخاب نشود ممکن است نیازهای او ارضاء نشوند و روزها و ساعت ها را به ناراحتی بگذرانند؛ در نتیجه این فرد در زندگی راضی نیست و همین امر در شغل او تاثیر منفی می گذارد.

روش شناسی

روش پژوهش حاضر کمی از نوع همبستگی می باشد. جامعه ی آماری این پژوهش شامل ۳۶ مشاور تحصیلی (۱۹ زن و ۱۷ مرد در محدوده سنی ۳۱ تا ۶۲ سال) آموزش و پرورش شهرستان نور می باشند که درخصوص فرایند انتخاب رشته های تحصیلی به داوطلبان کنکور مشاوره می دهند. برای اجرای این پژوهش، مشاوران تحصیلی برای پر کردن پرسشنامه ی ۴۵ آیتمی استاندارد با سوالات بسته - پاسخ که توسط استاد راهنما و محقق جهت استخراج عوامل مؤثر بر انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور ساخته شد، شرکت داده شده اند. سوالات پرسشنامه با مقیاس بسته - پاسخ و براساس طیف لیکرت می باشند که به صورت درجات خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم طراحی شده است. بعد از جمع آوری پرسشنامه ها به هر یک از پاسخ های مشاوران بر اساس مقیاس پنج درجه ای از ۱ تا ۵ نمره داده شد. روایی پرسشنامه عوامل مؤثر بر انتخاب رشته های تحصیلی، با استفاده از نظرات استاد راهنما و پنج نفر از مشاوران متخصص در زمینه ی انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار پژوهش نیز از طریق آلفای کرونباخ با ضریب 0.83 تأیید شد.

روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و میدانی بود. در روش کتابخانه ای از کتب و مقالات داخلی و خارجی، مجلات رسمی علمی، پایان نامه ها و منابع معتبر موجود در اینترنت استفاده شد. در روش میدانی برای گردآوری اطلاعات نیز از پرسشنامه استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده های آماری، داده ها با اجرای آمارهای توصیفی و آمارهای استنباطی مانند آزمون کولموگروف-اسمیرنف (ks)، آزمون کفایت نمونه گیری کیزر-میر-اولکین (KMO)، آزمون t تک نمونه ای، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون

فریدمن از طریق برنامه ی نرم افزار SPSS "بسته ی آماری برای دانش های اجتماعی" آنالیز شدند تا درجه ی همبستگی دو به دو معرف ها و همبستگی جزئی آن ها را ارزیابی کنند.

یافته ها

استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (KS)

جهت بررسی فرض نرمال بودن داده ها، سؤالات متغیرهای پژوهش بر اساس دو فرض در بررسی می شوند.

H₀: متغیرهای تحت بررسی دارای توزیع نرمال هستند.

H₁: متغیرهای تحت بررسی دارای توزیع نرمال نیستند.

نتیجه	نمره آزمون	سطح معناداری	متغیر
نرمال	۰,۱۳۶	0.088	مشورت با مشاوران
نرمال	۰,۱۵۰	۰,۰۵۹	عوامل شغلی
نرمال	۰,۱۶۳	۰,۰۲۹	مشورت با افراد ناآگاه
نرمال	۰,۱۳۵	۰,۰۹۴	نقش شانس
نرمال	۰,۰۷۰	۰,۲۰	نقش داوطلب

با توجه به نتایج جدول فوق، مقدار سطح معناداری برای اکثر متغیرها بزرگتر از مقدار خطا ۰,۰۵ می باشد. در نتیجه داده ها دارای توزیع نرمال می باشند.

استفاده از آزمون کفایت نمونه گیری (KMO)

نتیجه	سطح معناداری	(KMO)	مقدار آزمون
توان آماری و کفایت نمونه تایید می شود.	0.000	۰,۷۸۶	

نتیجه آزمون (KMO) در جدول فوق نشان می دهد که مقدار KMO بیشتر از 0/7 بدست آمده است. در نتیجه، حجم نمونه از کفایت خوبی برای انجام آزمونهای مورد نظر برخوردار است.

نتایج آزمون t تک نمونه ای برای متغیرهای پژوهش

متغیر	انحراف معیار	میانگین	آزمون t	P-Value Sig.(2-tailed)
مشورت با مشاوران	۳,۲۰	۳,۸۹۴	۱۴,۶۷۸	0.000
عوامل شغلی	۳,۰۰	۳,۹۰۷	۱۰,۷۸۹	0.000
مشورت با افراد ناآگاه	۳,۴۰	۴,۱۵۰	۱۴,۶۲۶	0.000
نقش شانس	۲,۶۷	۴,۰۰۰	۹,۳۴۰	0.000
نقش داوطلب	۳,۳۰	۳,۸۷۵	۱۵,۱۴۸	0.000

با توجه به جدول فوق، تمامی متغیرها در حد قوی (به دلیل اینکه مقدار P-Value کمتر از ۰,۰۵ بوده و میانگین نیز بالاتر از ۳ می باشد) در بین نمونه ی مورد بررسی وجود دارند.

تحلیل فرضیات پژوهش

– بین مشورت با مشاوران تحصیلی و نقش عوامل شغلی بر انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور همبستگی وجود دارد.

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	عوامل شغلی	
		(N)	(p)
مشورت با مشاوران	0/۵۹۱ (r)	۳۶	0/000

r = ضریب همبستگی، N = تعداد نمونه، P = سطح معنی داری

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، سطح معناداری برای متغیرها برابر (Sig=0/000) است. در نتیجه با اطمینان 0/9۵ می توان گفت که بین مشورت با مشاوران تحصیلی و نقش عوامل شغلی ارتباط وجود دارد. از آنجا که علامت ضریب همبستگی مثبت و

مقدار آنها به مقدار یک نزدیک است می توان گفت همبستگی لازم بین متغیرها وجود دارد. بنابراین فرضیه ی اول تایید می شود. پس بین مشورت با مشاوران تحصیلی و نقش عوامل شغلی رابطه ی معناداری وجود دارد.

_ بین مشورت با افراد ناآگاه و نقش شانس بر انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور همبستگی وجود دارد.

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	نقش شانس	
		(N)	(p)
مشورت با افراد ناآگاه	-۰/۶۲۸	۳۶	0/000

r = ضریب همبستگی، N = تعداد نمونه، P = سطح معنی داری

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، سطح معناداری برای متغیرها برابر (Sig=0/000) است. در نتیجه با اطمینان 0/95 می توان گفت که بین مشورت با افراد ناآگاه و نقش شانس ارتباط وجود دارد. از آنجا که علامت ضریب همبستگی منفی و مقدار آنها به مقدار یک نزدیک است می توان گفت همبستگی لازم بین متغیرها وجود دارد. بنابراین، فرضیه ی دوم نیز تایید میشود. پس بین مشورت با افراد ناآگاه و نقش شانس رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد. بدین معنا که مشاوره با افراد ناآگاه باعث کاهش شانس فرد داوطلب خواهد شد.

_ بین نقش داوطلب و نقش عوامل شغلی بر انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور همبستگی وجود دارد.

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	عوامل شغلی	
		(N)	(p)
نقش داوطلب	۰/۵۵۸	۳۶	0/000

r = ضریب همبستگی، N = تعداد نمونه، P = سطح معنی داری

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، سطح معناداری برای متغیرها برابر (Sig=0/000) است. در نتیجه با اطمینان 0/95 می توان گفت که بین نقش داوطلب و نقش عوامل شغلی ارتباط وجود دارد. از آنجا که علامت ضریب همبستگی مثبت و مقدار آنها به مقدار یک نزدیک است می توان گفت همبستگی لازم بین متغیرها وجود دارد. از اینرو، فرضیه ی سوم نیز تایید می شود. پس بین نقش داوطلب و نقش عواملی شغلی رابطه ی معناداری وجود دارد.

رتبه بندی با آزمون فریدمن

این آزمون دارای دو فرضیه به شرح زیر می باشد:

H₀: بین عوامل موثر بر انتخاب فرد شده تفاوت وجود ندارد.

H₁: بین عوامل موثر بر انتخاب فرد شده تفاوت وجود دارد

رتبه	میانگین	ابعاد
چهارم	۲,۶۱	نقش شانس
پنجم	۲,۶۰	مشورت با افراد ناآگاه
سوم	۲,۸۹	عوامل شغلی
اول	۳,۶۰	مشورت با مشاوران
دوم	۳,۳۱	نقش داوطلب

مقادیر محاسبه شده	شاخص های آماری
تعداد	۳۶
درجه آزادی	۴
عدد معنی داری	۰,۰۲۱

باتوجه جدول فوق، مقدار عدد معنی داری ۰,۰۲۱ (sig) و از سطح معنی داری استاندارد (۵ % = α) کمتر است. بنابراین فرض H₁ در سطح اطمینان ۹۵% تأیید می شود. از اینرو، می توان گفت متغیرها رتبه های یکسانی ندارند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مباحث نظری و پیشینه ی پژوهش ها در این پژوهش مشخص گردید که بحث انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور یکی از مهمترین مسائل جامعه ی روز ایران است. آنچه اهمیت این موضوع را دو چندان می کند، ارتباط انتخاب رشته های

تحصیلی با دیگر انتخاب های مهم زندگی جوانان است؛ بدین معنی که انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور مقدمه ی انتخاب شغل و دیگر موقعیت های مهم زندگی آنان است. از اینرو، ضروری است داوطلبان کنکور برای یک انتخاب صحیح و ارزشمند، اطلاعات صحیح و جامعی را از طریق مختلف بدست آورند تا بتوانند بهترین و مناسب ترین انتخاب را داشته باشند.

نتایج این مطالعه نشان داد که بین مشورت با مشاوران و نقش عوامل شغلی، بین نقش داوطلب و نقش عوامل شغلی رابطه ی معناداری وجود دارد، ولی بین مشورت با افراد ناآگاه و نقش شانس رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد و این عوامل نیز بر انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور شهرستان نور موثر می باشند. نتایج پژوهش حاضر در خصوص هدایت داوطلبان کنکور بر انتخاب رشته های تحصیلی، ما را به این امر سوق می دهد که نظام آموزشی کشور باید به نقش مشاوران تحصیلی در هدایت داوطلبان کنکور اهمیت زیادی دهد. از اینرو، در شرایط فعلی جامعه باید بهای بیشتری به مشاوران داده شود و باید آنها را برای پاسخگویی و هدایت داوطلبان کنکور تجهیز کرد. زیرا، مشاوران تحصیلی به عنوان افرادی که در خط مقدم ارتباط با داوطلبان کنکور هستند باید خودشان از دانش و مهارت کافی در این خصوص برخوردار باشند تا بتوانند دیگران را راهنمایی کنند. اگر مشاوران تلاش خود را بر انتخاب رشته های تحصیلی داوطلبان کنکور و عوامل شغلی متمرکز کنند می توان امیدوار بود که داوطلبان متقاضی ورود به دانشگاه با دید روشنتری نسبت به تحصیل، دست به انتخاب رشته بزنند و حتی رشته های خاص یا با ارزش و بدون درآمد مالی که با کمبود آن ها در جامعه مواجه هستیم را انتخاب کنند. همچنین با تقویت نظام مشاوره ی تحصیلی در دوره ی متوسطه دوم می توان امیدوار بود که داوطلبان کنکور در وهله ی اول برای آزمون سراسری و در وهله ی دوم برای انتخاب مسیر شغلی آینده خود آماده تر خواهند بود. در واقع، انتخاب رشته های تحصیلی به دلیل اهمیت خاص خود نیازمند تلاش بیشتری هم از طرف مشاوران تحصیلی و هم از طرف داوطلبان کنکور می باشد. از اینرو، نقش داوطلب کنکور در به دست آوردن شغل و آینده ی شغلی نیز از جمله علل مؤثر بر انتخاب رشته ی تحصیلی می باشد. زیرا، استعداد، مهارت، انگیزه، توانایی و علاقه مندی داوطلب کنکور بر انتخاب رشته ی خود موجب می شود فرد با انرژی بیشتری فعالیت کند و به موفقیت دست یابد. داشتن علاقه به رشته ی تحصیلی موجب ایجاد انگیزه در فرد می شود. از اینرو بهتر است داوطلبان کنکور قبل از هر چیزی، زمینه ی علایق خود را شناسایی کنند و هنگام انتخاب رشته ی تحصیلی به آن توجه داشته باشند. زیرا، مسئولیت اصلی انتخاب رشته های تحصیلی بر عهده ی خود داوطلبان کنکور می باشد و مشاوران تحصیلی فقط نقش راهنما را دارند. بنابراین، داوطلبان کنکور با

افزایش آگاهی و جمع آوری اطلاعات بیشتر در شناخت از خود و رشته های تحصیلی می توانند مسیر درستی را با دقت انتخاب کنند. از طرفی، عدم ارائه مشاوره ی تحصیلی کافی و مناسب، دستیابی داوطلبان کنکور را به اهداف آموزشی مختل می سازد.

همچنین، یافته های پژوهش نشان داد که بین مشورت با افراد ناآگاه و نقش شانس رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد. بدین معنا که مشاوره با افراد ناآگاه باعث کاهش شانس فرد داوطلب خواهد شد. از اینرو، داوطلبانی که تحت تاثیر والدین، اقوام و دوستان نزدیک خود و افرادی که آگاهی لازم از مسائل مربوط به انتخاب رشته ی تحصیلی را ندارند، قرار می گیرند؛ ویژگی های فردی، تحصیلی و آگاهی دقیق خود را در نظر نمی گیرند و بدون توجه به رتبه و تراز خود در آزمون سراسری، دست به انتخاب رشته می زنند که موجب انتخاب نادرست رشته ی تحصیلی و کاهش شانس خود در قبولی رشته های کم متقاضی دانشگاه می شوند. از یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که هدایت صحیح مشاوران با تجربه و کارآمد در انتخاب رشته های تحصیلی به داوطلبان کنکور، مانع از هدر رفتن استعدادها، توانایی ها و علاقمندی های داوطلبان شده و نقش داوطلب بر انتخاب رشته ی تحصیلی خود، موجب آینده ی شغلی موفق تر، درآمد بهتر، رضایت و آرامش بیشتر در زندگی خواهد شد. همچنین مشاوره ی داوطلبان کنکور با افراد ناآگاه در انتخاب رشته های تحصیلی موجب کاهش شانس فرد داوطلب در قبولی دانشگاه بدون توجه به رتبه و تراز یا تقاضای رشته های دانشگاهی می شود.

منابع و ماخذ

- آناستازی، آنا. (۱۳۶۴). **روان آزمایی**. ترجمه محمدنقی براهنی. تهران: انتشارات دانشگاه.
- اخوان بهبهانی، علی؛ نصرتی نژاد، فرهاد و مسعود اصل، ایوان (۱۳۸۸). **تحلیلی بر سهمیه بندی جنسیتی در دانشگاه ها با تأکید بر رشته پزشکی**. مجلس و پژوهش، شماره ۵۹، ۱۳۷-۱۵۹.
- امین بیدختی، علی اکبر و دارایی، مریم. (۱۳۹۰). **بررسی علل گرایش کم دانش آموزان دختر مستعد به رشته علوم انسانی در دبیرستان های شهر سمنان**. شماره ۱ (۲)، ۲۷-۱.
- جانعلی زاده چوبدستی، حیدر. (۱۳۸۶) **تحلیلی بر جایگاه زنان در نهادهای علمی و تخصصی نخبه**. فصلنامه ی پژوهش زنان، شماره ۱، ۱۹۹-۱۷۳.
- جانعلی زاده چوبدستی، حیدر؛ مقیمی، اعظم و امینی، مجید. (۱۳۸۷). **مطالعه جنسیت و علم: بررسی پژوهش ها در ایران و جهان**. نشریه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، شماره ۳، ۱۱۲-۸۲.
- حبیب پور، کرم و صفری، رضا. (۱۳۹۱). **راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات اجتماعی**. نشر لویه تحلیل داده های روان شناسی با برنامه SPSS.

خادم مسجدي، حميد و نوروزي، داريوش. (۱۳۹۵). نقش والدين و همكلاسي هايي كه از فناوري اطلاعات ارتباطات استفاده مي كنند بر انتخاب رشته تحصيلي دانش آموزان (شهر دوشنبه تاجيكستان). فصلنامه روانشناسي تربيتي، ۱۲(۴۲)، ۴۱-۵۶.

دشتي، مهرداد (۱۳۸۵). رابطه ساده و چندگانه سبك هاي يادگيري، خلاقيت و منبع كنترل در دانشجويان دانشگاه صنعتي اصفهان، پايان نامه كارشناسي ارشد، رشته روان شناسي عمومي. دانشكده روان شناسي و علوم تربيتي، دانشگاه شهيد بهشتي.

رحيمي نژاد، عباس (۱۳۷۹). بررسي تحولي هويت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجويان كارشناسي، رساله دكترى، رشته روانشناسي عمومي، دانشكده علوم انساني، دانشگاه تربيت مدرس.

رضاپور ميرصالح، ياسر؛ شفايي، مريم و براتي، سميه. (۱۳۹۵). بررسي وضعيت آگاهي، دسترسي و استفاده دانش آموزان از منابع اطلاعاتي مؤثر بر انتخاب رشته تحصيلي. فصلنامه پژوهش هاي مشاوره، ۱۵(۶۰)، ۸۳-۶۰.

زندوانيان نايني، احمد. (۱۳۸۵). مقايسه تطبيقي عملکرد تحصيلي فارغ التحصيلان شاخه نظري نظام جديد، كالبدشكافي وضعيت امروز و چشم انداز فرداي علوم انساني در دوره متوسطه و آموزش عالي، چكيده مقالات كنگره ملي علوم انساني در وضعيت امروز. تهران. پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي شوراي بررسي متون و كتب اسلامي. سليمان نژاد، روح انگيز. (۱۳۷۸). بررسي علل عدم توجه به اولويت هاي پيشنهادي مشاوران به وسيله دانش آموزان دختر نظام جديد آموزش متوسطه در آموزش و پرورش شهر تهران، پايان نامه كارشناسي ارشد. دانشگاه الزهراء.

شفيق آبادي، عبدالله. (۱۳۸۲). راهنمايي و مشاوره شغلي و نظريه هاي انتخاب شغل. تهران: انتشارات رشد.

صدرنوبوي، رامپور. (۱۳۷۰). چندگفتار در جامعه شناسي كار و شغل با تكيه بركار زن در خانه و بنگاه. مشهد: باستان.

عگبهي، عبدالحسين و حياتي، داود. (۱۳۹۲). بررسي رابطه سبكهائي يادگيري با عملکرد تحصيلي، جنسيت و رشته تحصيلي دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان دزفول. دو فصلنامه ي مركز مطالعات و توسعه ي آموزش علوم پزشكي. شماره ۲، آبي در پي ۵.

مرادي، انسيه و اخوان تفتي، مهناز. (۱۳۹۲). بررسي رضاييت دانش آموزان دوره متوسطه نظري از انتخاب رشته خويش و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه روانشناسي تربيتي، ۹(۲۸)، ۱۳۸-۱۲۱.

قلي پور، آرين. (۱۳۹۱). مديريت منابع انساني (مفاهيم، تئوري و کاربردها)، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاه هاسمت)، چ چهارم؛ تهران.

قلي زاده، آذر. (۱۳۷۷). جامعه شناسي آموزش و پرورش. تهران: انتشارات محتشم.

كاوه ئي، بهروز و باقي بزدل، رقيه. (۱۳۹۳). نگرش دانشجويان دانشگاه هاي دولتي استان تهران در رابطه با حذف آزمون سراسري و جاگزيني آن با سوابق تحصيلي، مجله پژوهش در نظام هاي آموزشي، شماره ۲۶، ص ۷۱-۹۸.

مظفری، نظیر. (۱۳۸۸). رابطه پایگاه های هویت و مسند مهارگذاری با جنس، پایه و رشته تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه. فصلنامه روان شناسی کاربردی. شماره ۲(۱۰)، ۸۱-۶۶.

مقصودگردوان، امیر و عبدالهی، درخشان. (1396). چه رشته ای انتخاب می کنید و چرا؟ بررسی عوا مل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، 20(1)، 54-57.

نصر، احمدرضا و همکاران. (1383). «بررسی ملاک های ترجیحی انتخاب رشته داوطلبان ورود به مراکز آموزش عالی دولتی در سال 1381»، مجموعه مقالات سمینار بررسی روش ها و آزمون های ورودی دانشگاه ها، اصفهان، انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان.

همایونی، علیرضا؛ کدیور، پروین و عبدالهی، محمدحسین. (1385). رابطه بین سبک های یادگیری، سبک های شناختی و انتخاب رشته تحصیلی در دانش آموزان پسر دبیرستانی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، 3(10)، 137-144.

یادگارزاده، غلامرضا؛ پرند، کورش و کنعانی، الناز. (۱۳۹۱). بررسی نظرات مشاوران مدارس پیش دانشگاهی در خصوص نیازها و مشکلات داوطلبان در فرایند انتخاب رشته آزمون سراسری (کنکور). دانشگاه شهید بهشتی.

یزدانی فرد، راحله. (۱۳۹۳). توسعه یک مدل برنامه ریزی چند هدفه عدد صحیح برای تخصیص کارکنان به موقعیت های شغلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه الزهرا.

Adamuti-Trache, M., & Sweet, R. (2014). Science, Technology, Engineering and Math Readiness: Ethno-linguistic and gender differences in high-school course selection patterns. International Journal of Science Education, 36 (4), 610-634.

Birout, A. (1996). *vocabulaire des seieces sociaux ouvriaire*, paris.

Bourdieu, P. (1977). *Cultural reproduction and social reproduction*. Oxford University Press.

Chapman, D.W. (1984). *Teacher retention: The test of a model*. American Educational Research.

Durkheim, E. (1978). *Émile Durkheim on institutional analysis*. Chicago: University of Chicago Press.

Ginzberg, E., Ginsburg, S.W., Axelrad, S., Herma, J.L. et. al. (1951). *Occupational Choice: An Approach to a General Theory*. Columbia University Press. Ginzberg, E., (1971).

Hossler, D., Schmidt, J. & Vesper, N. (1999). *Going to college*. Baltimore: Johns Hopkins University Press. <http://isadrisse.berueley.edn/choosingmajor/definition.html>.

Jackson, G.A. (1982). *Public efficiency and private choice in higher education. Public efficiency and private choice in higher education. Educational Evaluation and Policy Analysis*. Summer, 4 (2), 237247.

Kolb, D. A. (1984). *Experiential learning: Experience as the source of learning and development*, New Jersey: Prentice Hall, Return.

L'Amour, L. (1989). **Education Of A Wandering Man; Publisher,** Bantam Books; ISBN, 0553063189, 9780553063189; Length, 367 pages.

Nosek, B. A., Smyth, F. L., Sriram, N., Lindner, N. M., Devos, T., Ayala, A. et. al. (2009). **National differences in gender-science stereotypes predict national sex differences in science and math achievement.** Proceedings of the National Academy of Sciences, 106, 10593–10597.

Parand, C., Yadegarzadeh, Gh., Khodaei, A. et. al. (2013). **Field selection, future choice.** Tehran: Iran Education Assessment Organization. ISBN: 9789642670499 (In Persian).

Rapoport, B., & Thibout, C. (2018). **Why do boys and girls make different educational choices? The influence of expected earnings and test scores.** Economics of Education Review, 62, 205-229

R., Reisz, L., Williams, A., & Kawakami, K. (2007). **Women in mathematics: Examining the hidden barriers that gender stereotypes can impose.** In R. Burke & M. Mattis (Eds.), Steele, J.

Women and minorities in science, technology, Engineering and mathematics: Upping the numbers (pp.159-183).

London: Edward Elgar.Tang, L. C., & Seng, C. (2016). **Factors influence students' choice of accounting major in Cambodian universities.** Asian Review of Accounting, 24(2), 231-251.